

دنیای ملموس رادیو


و مجله رادیو

● محمد پیوسته
گوینده رادیو تهران

اشاره

شاید روال مجله تخصصی رادیو، پرداختن به مباحث عمیق و فنی رادیو (همان‌گونه که از نام مجله پیداست) در قالب انعکاس تجربیات و تألیفات خارجی و داخلی باشد و طرح موارد «گفت‌وگوی صریح» در اولویت سیاست‌گذاری این مطبوعه داخلی نباشد، اما به نظر می‌رسد در کنار مطالب تخصصی و گاه خیلی تخصصی و پیچیده مجله، وجود برخی مباحث ملموس رادیویی (اعم از زشت و زیبا) انگیزه و طیف خوانندگانش برای مطالعه آن را با هدف تعقیب و درگیر شدن افزایش دهد.

به تناوب در طی ماه‌ها و سال‌های گذشته در گفت‌وگو با همکاران در مشاغل مختلف در حین کار و صرف چای، یک نکته خود را بیش از دیگر نکات معطوف به مجله تخصصی رادیو می‌نمایاند؛ این که بین خود (بین دنیای ملموس رادیویی) با آنچه در دنیای مجله رادیو آمده فاصله زیاد است و همین فاصله می‌تواند موجب بی‌رغبتی به مطالعه پیگیرانه مجله شود.



نمی‌خواهم بگویم صرفاً طرح گفت‌وگویی که در ذیل این یادداشت می‌آید، موجب افزایش موارد یادشده می‌شود، بلکه احساس می‌کنم شاید طرح چنین مواردی که یکی از آنها «گفت‌وگو» ست فعلاً بتواند به ملموسات رسانه خودمان (هر کس در شبکه خود) نزدیک و نزدیک‌تر شود. اگر از سویی در این یکی دو سال اخیر، رادیوی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای در حال دیده‌شدن (حالا از مجرای جشنواره‌های به خصوص هشتم و نهم خود) است و توانسته تا قائم‌مقامی دبیر کل ABU به پیش رود، از سویی هم ناگزیر است به درون یکایک شبکه‌های خود ورود کند و این ورود به جای کیلومتری باید میلیمتری باشد!

رضا ساکی، نویسنده و سردبیر برنامه‌های اجتماعی با رویکرد طنز رادیو، ۲۹ سال دارد. از سال ۱۳۸۶ با رادیو تهران کارش را شروع کرده، قبلاً در رادیو جوان، بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ کار می‌کرده.

با آنکه دیرتر از همه به رادیو تهران آمده اما زودتر از هر چهره رادیویی، از او درباره کم‌وکیف رادیو تهران می‌پرسیم و اینکه این را چگونه می‌بینید:

□ کلاً هجرت کردن خیلی خوبه. پیامبر اسلام هم تأکید داشتند. هجرت پیامبر منجر به کارهای بزرگی شده. اساساً تغییر ذائقه خوبه.

رادیو تهران را انتخاب کردم. این رادیو از گذشته تا حالا مبدأ خیلی تحولات در کل رادیو بوده. مثلاً حرکات فرمی از همین رادیو شروع شده. آدم‌های بزرگی توی این رادیو هستند. ما هم به خاطر اینکه «اکرمیه» (مدیر گروه صبحگاهی رادیو تهران) از دوستان و همکاران باسابقه ما اینجا بودند آمدیم رادیو تهران. من

فکر نمی‌کردم رادیو تهران این قدر تأثیر روی من بذاره. محیط اینجا محیط آرومیه و برای کارکردن کاملاً فضا مهیاست.

هر چند فکر می‌کنم ما رادیو تهرانی‌ها خیلی بیشتر از اینها می‌توانیم کار کنیم.

این شبکه به لحاظ سخت‌افزاری به نظرم مشکل داره. اگر این سازوکارها تهیه بشه خیلی می‌تونه تأثیر داشته باشه.

من به عنوان آدمی که علاوه بر اینکه در رادیو جوان بودم و در رادیوهای دیگر هم کار کردم، می‌بینم رادیو تهران، خیلی آدم‌های قوی و خلاقیتی دارد که به نظرم می‌تواند در ردیف رادیوهای پیشرو قرار بگیرد. با توجه به آنتن ضعیف و نبود امکانات سخت‌افزاری خیلی خوبه. پیش‌بینی می‌کنم با مدیریتی که الان سرکار خانم احمدی دارن تا دو سال دیگر حرف‌های بیشتری برای گفتن داشته باشه.

○ از سمت وسوی طنز در رادیو تهران بگو. جریان طنز رو در این شبکه چگونه ارزیابی می‌کنی؟

اما به نظرم همه ما باید نسبت به این قضیه با سعه صدر بیشتر و تحمل بیشتر برخورد کنیم. به هر حال طنز در فرهنگ اجتماعی و در فرهنگ رسانه‌ای ما آن‌طور که در این سال‌ها از آن استفاده می‌کنیم یک اتفاق ساده است که توجه‌مان را باید نسبت به آن بیشتر کنیم. جالبه که الان طنز رادیو تهران را در کلیت برنامه‌های این شبکه، بسیار هوشمندانه‌تر از رادیوهای دیگر می‌دانم.

○ آیا از نگاه نظارت و ارزیابی معاونت صدا نسبت به آنچه شما با عنوان یا محتوای طنز به مخاطب ارائه می‌کنید باخبرید؟ اینکه آنچه از منظر این واحد (نظارت و ارزیابی) قابل طرح و پخش هست یا نیست، چیست؟

□ من معتقدم نظارت و ارزیابی سازمان صداوسیما، چشم سوم ماست. من همیشه در طول برنامه‌سازی در این سال‌ها اهمیت دادم به نکات این دوستان و استفاده کردم و حتی بارها مکاتبه کردم و گاهی هم جوابیه نوشتم و اهمیت دادم به کار اینها. اما



اعتقاد این است که این رادیو تهران واقعاً ظرفیت‌های زیادی دارد. مطمئنم همین رادیو که اگر کشوری بشود، می‌تواند با رادیوهای سراسری رقابت کند. قبل از قضیه سخت‌افزار، باید بگویم نیروی انسانی کارآمد دارد. فکر می‌کنم کارآمدترین نیروی انسانی که الان در رادیوها وجود دارد، اینجا متمرکزند.

□ این که میگن طنز اینجا متأثر از رادیو جوان است قبول ندارم. من با طنز کم‌مایه یا شوخ‌طبعی که کم‌مایه باشد مخالفم.

○ درباره چیستی و ویژگی‌های طنز امروزی رادیویی از ساکی جوان طنزپرداز پرسیدیم:

□ در بحث طنز، در کشوری زندگی می‌کنیم که ما و همه مردم دنیا می‌بینیم که دارای مشکلات خاصی هستیم. به تعبیری مشکلات ما بشری است.

○ مشکلات بشری؟
□ دروغ‌گویی، ریا، پارتی‌بازی، غیبت؛ اینها مشترکات انسانی در دنیا است و به خصوص در ایران در همه دوره‌های تاریخی وجود داشته. اما ما الان نمی‌توانیم برای نقد ریا از زبان جمعه ایرانی استفاده کنیم.

سؤزه ما مشخص است. بحث مسکن همه جای دنیا هست.

شاید رادیو جوان نسبت به دیگر شبکه‌ها بیشتر به مقوله طنز توجه کرده. شاید همینکه که ملاک ما رادیو جوان شده.

مثلاً کسی طنز می‌کنه میگن مثل جوان شده. شاید ما که از جوان آمدیم به این قضیه کمک کنه.

اما من همون موقع که در رادیو جوان بودم نسبت به زیاده‌روی‌ها در عرصه طنز انتقاد داشتم. سعی می‌کردم این مسئله در برنامه‌هایم به دور باشه. در رادیو تهران هم همین کار را می‌کنم. اگر کوتاه بگویم اینه که شوخی همیشه حرفی برای گفتن داره. ما آنجا باید از طنز استفاده کنیم که نمی‌توانیم یا نمی‌شود یا نباید مستقیم با مخاطب صحبت کنیم. افراط‌کردن در این قضیه مهم‌ترین آفت است.

این بحث، زبان نو می‌خواهد و مهم‌تر از این، کسی می‌تواند بهتر بگوید و با زبان بهتری موضوع مسکن را به طنز بکشاند که دغدغه مسکن داشته باشد.

به نظرم یک ۲۸ ساله بهتر می‌تواند بی‌مسکن بودن خودش را به طنز بکشد، چون فکر شب و روزش است. چون دغدغه‌اش است.

من عقیده دارم ما در بحث طنز در رسانه خودمان در اول راهیم. یعنی فعلاً و متأسفانه به خاطر این‌که هیچ‌جا نیست این را مدرن کند، آموزش بدهد و راهکار به دست بدهد. ما داریم از طریق آزمون و خطا به آنچه که باید باشد می‌رسیم. من می‌خواهم بگویم همه باید کمک کنیم در این آزمون و خطا هر چه زودتر به نتیجه برسیم. طنز، عرصه دشواری است و خیلی راه می‌خواهد به یک برنامه طنز درست و حسابی برسیم.

○ آیا از منظر شما، در کاربری طنز رادیویی، گاهی رگه‌هایی از لمپنیزم اجتماعی هم قابل مشاهده است؟

□ اعتقاد ندارم این واژه را به کار ببرم. گاهی در استفاده از زبان، زیاده‌روی می‌کنیم و ممکن است گاهی واژه‌هایی را بنویسیم و به کار ببریم که مناسب پخش از رسانه نیست، مثل استفاده از کلمات «زبان مخفی».

○ این رادیو، رادیوی تهران است و مشهور به صدای پایتخت. فکر می‌کنی چقدر در عمل این اشتهار به واقعیت نزدیک است؟ □ با توجه به اینکه این رادیو، خودش، خودش را صدای پایتخت می‌داند.

دعوا ندارم این رادیو صدای پایتخت هست یا نیست. اعتقادم این است که این رادیو واقعاً ظرفیت‌های زیادی دارد. مطمئنم همین رادیو که اگر کشوری بشود، می‌تواند با رادیوهای سراسری رقابت کند. قبل از قضیه سخت‌افزار، باید بگویم نیروی انسانی کارآمد دارد. فکر می‌کنم کارآمدترین نیروی انسانی که الآن در رادیوها وجود دارد، اینجا متمرکزند، به ویژه اینجا ما باهم بودن دو نسل و شاید سه نسل از برنامه‌سازها را شاهدیم.

○ فکر می‌کنی درباره فضای رادیو تهران (چه صحنه و چه پشت صحنه) چیزی هست که جا مانده باشد؟

□ ببینید در واقع می‌شود گفت که دوستی با هر آدمی، کشف دنیای آن آدم و ورود به آن دنیا است. من در رادیو تهران واقعاً آدم‌هایی دیدم که برای خود کهکشان‌هایی بودند و واقعاً از آنها یادگرفتم. خوشحالم که در تجربیاتی که در جوان داشتم، اینجا در رادیو تهران تکمیل شد. شاید رادیو جوان برایم دوره تحصیلی بود و رادیو تهران دوره زمانی که مجبور شدم از پایان‌نامه‌ام دفاع کنم.

○ پایان‌نامه گفتی، در دانشگاه چی خوندی؟

□ کارشناسی ارشد ادبیات فارسی خوندم. اون هم در مقابل کسانی که واقعاً صلاحیت نمره‌دادن به منو داشتن. خودمو رادیو تهرانی می‌دونم و سعی می‌کنم به ویژه در زمینه طنز که تخصص اصلی من، برای این رادیو تلاش کنم.

مهدی محتشم صفا از ارتباط‌گران شبکه رادیویی تهران است که قریب به هشت سال با این شبکه رادیویی همکاری می‌کند. وی می‌گوید: از سال ۱۳۷۹ وارد رادیو تهران شدم. در مقدمات گفت‌وگو و تقریباً ابتدا به ساکن به مسائل مالی و دریافتی‌اش از رادیو تهران می‌رسیم و سپس با طرح و حل مسئله حق‌الزحمه‌ها و شکل و حد و اندازه دریافتی و کمی مقایسه تطبیقی با کیفیت دریافت و پرداخت کارکنان رادیو در دیگر مشاغل، وارد بحث جدی رادیویی می‌شویم.

محتشم صفا در یک جمع‌بندی فی‌الغور می‌گوید: دریافتی‌ما (یعنی ارتباط‌گران و ادیتورها) یک پنجم و شاید هم یک ششم دریافتی بقیه عوامل پخش است.

وی در پاسخ به این پرسش که رادیو تهران را چگونه می‌بینی، می‌گوید: من رادیو تهران را یک رادیوی فرهنگی-اجتماعی می‌بینم که در حد توانش در این دو حوزه می‌شود گفت موفق

نظارت و ارزیابی سازمان صداوسیما، چشم سوم ماست. من همیشه در طول برنامه‌سازی در این سال‌ها اهمیت دادم به نکات این دوستان و استفاده کردم و حتی بارها مکاتبه کردم و گاهی هم جوابیه نوشتم و اهمیت دادم به کار اینها. اما برای ورود به بحث «نقد» به نظرم مهم‌ترین افراد، مدیران گروه‌ها و رؤسای شبکه‌های رادیو هستند.

بوده حالا با تغییر در مدیران ما، یک بار وزن فرهنگی محتوای برنامه‌ها سنگین‌تر می‌شود و یک وقتی هم هست که رسیدگی به امور اجتماعی مخاطبان در اولویت برنامه‌ها قرار می‌گیرد.

من به عنوان یک ارتباط‌گر و ادیتور این شبکه در این چند ساله به این دریافت رسیدم که مخاطبان ما چنانچه مشکلی در حوزه‌های مختلف اجتماعی داشته باشند به این شبکه زنگ می‌زنند. چرا گفتم اجتماعی و نگفتم فرهنگی؟ چون در حوزه فرهنگی احساس می‌کنم ما بیشتر ارائه‌دهنده‌ایم تا یک دریافت‌کننده.

وی سپس درباره اینکه رادیو تهران، چقدر آینه تهران است می‌گوید: درست است که فرهنگ‌سازی رسانه‌های ما صددرصد منطبق بر واقعیات جامعه نیست، یعنی هنگامی که کسی با کسی درگیر می‌شود نمی‌گوید «دوست گرامی»، لطفاً چند لحظه صبر کنین»، اما به عینه می‌توان بازتاب گفتار، تکیه کلام و خروجی‌های محتوایی رسانه‌ها را در پس زمینه تعاملات اجتماعی

مشاهده کرد. مثلاً گوینده‌های ما وقتی بخواهند با هم ارتباط برقرار کنند از واژه «همکار عزیز» استفاده می‌کنند. ما وقتی که با یک کارشناس مثلاً آموزش و پرورش یا حالا هر سازمان دیگری ارتباط می‌گیریم وی در آغاز کلامش مثل گوینده‌های ما می‌گوید: من هم به شما همکاران عزیز! سلام عرض می‌کنم. یعنی اثر کلامی و گفتاری رایج در رسانه رادیو کاملاً در طیف‌های مختلف اجتماع قابل مشاهده است.

با پخش چند برنامه کارشناسی با موضوع حقوق شهروندی، مردم به حقوق‌شان نمی‌رسند اما در پس‌زمینه ذهنشان داشتن حقی به عنوان شهروند نقش می‌بندد.

○ مخاطبان رادیو تهران (با توجه به برآوردی که از کابین تلفن برنامه‌ها دارید) عمدتاً چه طیف‌های اجتماعی هستند؟



به تجربه در این رسانه و سایر رسانه‌ها دریافته‌ام که کافی است در هر قالبی با هر پیامی از هر مدیومی، بسته‌ای را روی ویتترین انتخاب مخاطبان قرار دهیم، آنگاه خواهیم دید که حتی آن محتوا و فرمی که دور از ذهن می‌رسد نیز به مرور برای خود، مخاطبانی دست و پا خواهد کرد.

گرفت و از عشق به میهنش و اینکه امکان شرکت در انتخابات را ندارد گفت. صدای ما را از رادیوی ماشینش می‌شنید. به این شنونده ایرانی مقیم تل‌آویو، به محض اینکه گفتم اجازه بده صدایت را ضبط کنیم. نمی‌دانم چه شد که تلفن را قطع کرد!

○ شما به عنوان یک آگاه رادیویی و ارتباط‌گری که در کابین تلفن، در حال رصد شنونده‌هاست، از نیاز و مصلحت مخاطب بگو و این که میل به جای اینها می‌نشیند.

□ اولاً که هر دو یا هر سه محور، به شدت معیارهای ذهنی و نسبی هستند. از این جهت که نیاز مخاطب، میل و مصلحتش با توجه به زمان و مکان و موقعیت‌های گوناگون متغیر است، حتماً قابل جهت‌دهی و تغییرات مداوم می‌باشد. اما اگر بخواهیم جدا جدا به آنها بپردازیم به نظر می‌رسد بین دو واژه نیاز و میل،

بار معنایی همسانی استنباط می‌شود تا جایی که به راحتی می‌توان با این دو کلمه وارد واژه‌بازی طولانی شد. به نظرم بهتر است که طراحان (سیاستگذاران) این سه محور، بیشتر مصادیق عینی با واژگان صریح‌تر و زمان - مکان شمول‌تری را برای اصل‌قراردادن انتخاب کنند. اما با وجود این، فارغ از این دست تعیین‌محوورها و اصول، به تجربه در این رسانه و سایر رسانه‌ها دریافته‌ام که کافی است در هر قالبی با هر پیامی از هر مدیومی، بسته‌ای را روی ویتترین انتخاب مخاطبان قرار دهیم، آنگاه خواهیم دید که حتی آن محتوا و فرمی که دور از ذهن می‌رسد نیز به مرور برای خود، مخاطبانی دست و پا خواهد کرد.

□ به غیر از زنان خانه‌دار، گروه‌های کاری در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، رانندگان تاکسی و... شگفت‌انگیز است که بگویم خود من جواب شنوندگانی را از بلغارستان، بندر عجمان (یکی از بنادر امارات)، تل‌آویو و ملوانی بر روی عرشه کشتی در اقیانوس هند داده‌ام.

○ اینها چه کسانی بودند و چه حرف‌هایی می‌زدند و چه می‌خواستند؟

□ شنونده‌ای از بندر عجمان که تاجر بود درباره موضوع برنامه‌مان (مادر) صحبت کرد. لب مرز بلغارستان، راننده ترانزیت تماس گرفت و از انتظار در گمرک بلغارستان گفت. ملوانی در کشتی اقیانوس پیما گله داشت که چرا از همه مشاغل یاد می‌کنید، خسته‌نابشید می‌گویید اما از ما که شاید سالی دوبار خانواده‌مان را ببینیم حرفی نمی‌زنید. اما از همه مهم‌تر، شنونده مقیم تل‌آویو بود که در بحبوحه انتخابات هشتم ریاست جمهوری تماس

